

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠٢٧٦

۱۷/۱/۱۰۲۱۸۷  
۱۷/۱۰۲۸



دانشگاه سیستان و بلوچستان

تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ

گرایش ایران در دوره اسلامی

عنوان:

اوضاع سیاسی - اجتماعی بلوچستان در دوره

پهلوی دوم

استاد راهنما:

دکتر عباس سرافرازی

استاد مشاور:

دکتر محمد رضا فراهانی

تحقیق و نگارش:

عبدالعزیز سپاهی

شهریور ۱۳۸۷

این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است

۱۰۶۷۰۶



## بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان وضعیت سیاسی و اجتماعی بلوچستان در دوره پهلوی دوم قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی توسط دانشجو عبدالعزیز سپاهی تحت راهنمایی استاد پایان نامه دکتر عباس سرافرازی تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

عبدالعزیز سپاهی

این پایان نامه ۴ واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ۱۳۸۷/۰۷/۳۰ توسط هیئت داوران بررسی و درجه بسیار خوب به آن تعلق گرفت.

تاریخ

امضاء

نام و نام خانوادگی

دکتر عباس سرافرازی

استاد راهنما:

دکتر محمد رضا فراهانی

استاد مشاور:

دکتر مهدی صلاح

داور ۱:

دکتر مسعود مرادی

داور ۲:

دکتر محمد علی زهرازاده

نماینده تحصیلات تکمیلی:



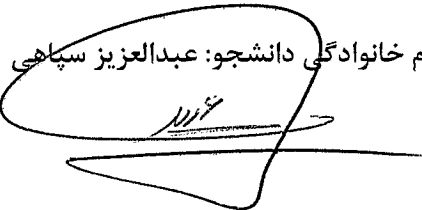
دانشگاه سیستان و بلوچستان

### تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب عبدالعزیز سپاهی تأیید می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: عبدالعزیز سپاهی  
امضاء



تقديم به:

دخترانم

زهره

زهرا

كوثر

## تشکر و قدر دانی

بر خود لازم می دانم که از راهنمایی ها و رهنمودهای استاد راهنمای ارجمندم جناب آقای دکتر عباس سرافرازی که در تمام مراحل این پژوهش با گشاده رویی و مهربانی نکات لازم را یادآوری کرده اند تقدیر و تشکر نمایم؛ چرا که ایشان با ارشادات بی دریغشان همواره یاریگر اصلی اینجانب در تدوین این رساله بوده اند. از زحمات و مساعدت های ارزشمند استاد مشاور محترم جناب آقای دکتر محمد رضا فراهانی نیز صمیمانه تشکر و قدر دانی می نمایم. ایشان نیز در زمینه معرفی منابع راهنمایی های لازم را فرموده اند.

از دوست بسیار ارجمند و همکلاسی دوران دانشجویی در مقطع کارشناسی جناب آقای عبدالقیوم نعمتی نیا که هم اکنون دانشجوی دوره دکترا در هندوستان هستند به دلیل همکاری و مساعدت ایشان در ترجمه منابع انگلیسی به فارسی و همچنین معرفی و در دسترس قرار دادن منابعی که در این رساله از آن ها استفاده نموده ام، نیز بسیار تشکر و قدردانی می نمایم.

و بالاخره از والدین عزیزم که امکانات تحصیل را برایم فراهم نموده اند و همچنین خانواده ام که در جریان کار همراه و یاریگر اینجانب بوده اند نیز کمال تشکر و قدردانی را دارم.

## چکیده

بلوچستان در دوره ی مورد پژوهش یکی از استان های ایران است که اداره ی آن از طرف دولت مرکزی به خوانین و سران طوایف منطقه واگذار گردید. این گروه بر اثر سیاست های تمرکزگرایانه رضاشاه اقتدار و نفوذشان را از دست داده و تحت تسلط دولت مرکزی در آمدند، به طوری که تا قبل از شهریور ۱۳۲۰ بلوچستان از نظر سیاسی آرام بود و اداره ی آن به دست نظامیانی بود که در سال ۱۳۰۷ به دنبال عملیات قشون به منطقه آمده بودند. با فرارسیدن شهریور ۱۳۲۰ که رضاشاه سقوط کرده و کشور به اشغال نیروهای خارجی در آمد، خوانین و سرداران و متنفذان محلی دوباره سر برآورده و برای افزایش نفوذ و اقتدارشان در منطقه به رقابت با یکدیگر پرداختند، به طوری که تا اواسط دهه ۱۳۲۰ در مقابل هم صف آرایی کرده و در دهه ۱۳۳۰ این رویارویی خوانین و سرداران در ماجرای دادشاه به اوج خودش رسید. در اواسط دهه ۱۳۳۰ بر اثر ماجرای دادشاه که به دلیل کشتار مأموران اصل چهار عملیات برای پایان دادن آن شروع شد و تحت فشار آمریکا با همکاری خوانین و سرداران خاتمه یافت، دولت مرکزی به این نتیجه رسید که برقراری امنیت در بلوچستان بدون همکاری خوانین و سرداران امکان پذیر نمی باشد، بنابراین از این زمان دولت مرکزی توجه بیشتری به بلوچستان نموده و امور آن را به خوانین و سرداران واگذار نمود. در اواخر دهه ی ۱۳۳۰ با تأثیر پذیری از ماجرای دادشاه که با تبلیغات ناسیونالیست های بلوچ به یک جنبش ملی تبدیل شده بود و همچنین تحریک نیروهای منطقه ای، جنبش ناسیونالیستی بلوچ شکل گرفت که در نتیجه ی آن از این زمان به بعد دولت مرکزی برای مقابله با این جنبش ها و حرکت های سیاسی قومی و محلی در بلوچستان اقدام هایی در دو بعد داخلی و خارجی انجام داد: به دنبال این اقدام ها، حرکت های سیاسی قومی و محلی در بلوچستان به نتیجه مطلوب نرسید. با اصلاحاتی که شاه در این دوره در کشور انجام داد، بلوچستان هر چند که نسبت به بقیه نقاط ایران در ضعف و عقب ماندگی به سر می بُرد، اما شاهد تحولات و تغییرات عمیقی در وضعیت سیاسی و اجتماعی بود؛ در این دوره چون امکان غارت که منبع درآمد بعضی از مردم بود، از بلوچ سلب گردید، این امر باعث روی آوردن این عده از قوم بلوچ به پدیده هایی چون قاچاق و مهاجرت شد. در سال های پایانی رژیم پهلوی، قشر تحصیل کرده مذهبی و غیر مذهبی بلوچ به مبارزه با نفوذ خوانین و سرداران پرداخت که در نتیجه ی آن تا حدودی از نفوذ و اقتدار خوانین و سرداران کاسته شد

و در آستانه انقلاب اسلامی رهبری جامعه بلوچستان به دست نخبگان مذهبی (مولوی ها) افتاد. به طور کلی بلوچستان در آستانه انقلاب اسلامی از نظر سیاسی آرام بود و قوم بلوچ نقش فعالی در حوادث سقوط شاه نداشت.

واژه های کلیدی: بلوچستان - خوانین - سرداران - محمد رضاشاه - سیاسی - دادشاه - ناسیونالیزم - جنبش - اجتماعی



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶.....	مقدمه.....
۱۱.....	معرفی منابع.....
۱۶.....	بخش اول: اوضاع جغرافیایی و اقتصادی بلوچستان.....
۱۷.....	فصل اول: نگاهی به جغرافیای بلوچستان.....
۱۷.....	۱-۱-۱- جغرافیای طبیعی بلوچستان.....
۱۷.....	۱-۱-۱-۱- موقعیت، وسعت و حدود.....
۱۷.....	۱-۱-۱-۲- کوه های بلوچستان.....
۱۸.....	۱-۱-۲- مشخصات اقلیمی و آب و هوای بلوچستان.....
۱۸.....	۱-۱-۲-۱- آب و هوا.....
۲۰.....	۱-۲-۱-۱- ریزش های جوئی.....
۲۰.....	۱-۲-۱-۲- رودهای بلوچستان.....
۲۱.....	۱-۲-۱-۳- بادهای بلوچستان.....
۲۳.....	۱-۲-۱-۴- نتیجه.....
۲۴.....	فصل دوم: وضعیت اقتصادی بلوچستان.....
۲۴.....	۱-۲-۱- کشاورزی.....
۲۶.....	۱-۲-۲- دامداری.....
۲۶.....	۱-۲-۳- مشاغل شهری.....
۲۸.....	۱-۲-۴- نتیجه.....
۲۹.....	بخش دوم: اوضاع اجتماعی بلوچستان.....
۳۰.....	فصل اول: قشربندی و ساختار سیاسی- اجتماعی جامعه بلوچستان.....
۳۰.....	۱-۱-۲- قشربندی اجتماعی جامعه بلوچستان.....

- ۳۲.....۱-۱-۱-۲- قشربندی اجتماعی جوامع روستایی
- ۳۳.....۲-۱-۱-۲- قشربندی اجتماعی جوامع عشایری
- ۳۴.....۲-۱-۲- ساختار طبقاتی جامعه بلوچستان
- ۳۷.....۳-۱-۲- ساختار سیاسی- اجتماعی جامعه بلوچستان
- ۴۰.....۴-۱-۲- نتیجه
- ۴۱.....فصل دوم: طوایف بلوچستان
- ۴۱.....۱-۲-۲- طوایف بلوچستان شمالی ( سرحد )
- ۴۱.....۱-۱-۲-۲- طایفه یاراحمدزایی ( شهنوازی )
- ۴۱.....۲-۱-۲-۲- طایفه اسماعیل زایی ( شه بخش )
- ۴۲.....۳-۱-۲-۲- طایفه گمشادزایی
- ۴۳.....۴-۱-۲-۲- طایفه ریگی
- ۴۴.....۵-۱-۲-۲- طایفه نارویی
- ۴۴.....۲-۲-۲- طوایف بلوچستان جنوبی ( مکران )
- ۴۴.....۱-۲-۲-۲- طایفه مبارکی
- ۴۵.....۲-۲-۲-۲- طایفه شیرانی
- ۴۶.....۳-۲-۲-۲- طایفه میرلاشاری
- ۴۷.....۴-۲-۲-۲- طایفه بارکزایی
- ۴۷.....۵-۲-۲-۲- طایفه سردارزایی
- ۴۷.....۳-۲-۲- نتیجه
- ۴۹.....فصل سوم: ویژگی های فرهنگ اجتماعی قوم بلوچ
- ۴۹.....۱-۳-۲- ویژگی های فرهنگ اجتماعی
- ۴۹.....۱-۱-۳-۲- قول و قرار
- ۵۰.....۲-۱-۳-۲- خَشَر و مَدَد
- ۵۰.....۳-۱-۳-۲- بَجَار
- ۵۰.....۴-۱-۳-۲- پیر

۵۱.....	۲-۳-۱-۵- مَیَار جَلّی.....
۵۱.....	۲-۳-۱-۶- پَتر.....
۵۲.....	۲-۳-۱-۷- قسم جن طلاق ( زن طلاق ).....
۵۲.....	۲-۳-۱-۸- دیوان.....
۵۲.....	۲-۳-۲- نتیجه.....
۵۳.....	بخش سوم: اوضاع سیاسی بلوچستان.....
۵۴.....	فصل اول: اوضاع سیاسی بلوچستان قبل از شهریور ۱۳۲۰.....
۵۴.....	۳-۱-۱- رابطه دولت های غیر متمرکز با رؤسای ایلات در بلوچستان.....
۵۶.....	۳-۱-۲- اوضاع بلوچستان همزمان با روی کار آمدن دولت پهلوی در ایران.....
۵۸.....	۳-۱-۳- روابط خوانین و سرداران بلوچ با رضاشاه.....
۶۰.....	۳-۱-۳-۱- درگیری دوست محمد خان با ارتش رضاشاه.....
۶۳.....	۳-۱-۳-۲- طغیان طوایف سرحد.....
۶۵.....	۳-۱-۴- اوضاع سیاسی جنوب بلوچستان.....
۶۷.....	۳-۱-۵- پیامد های سیاست های تمرکزگرایانه رضاشاه در بلوچستان.....
۶۷.....	۳-۱-۵-۱- تغییر شکل روابط خوانین و سرداران بلوچ با حکومت مرکزی.....
۶۸.....	۳-۱-۵-۲- برجیده شدن حکومت های محلی و بساط ظلم و ستم آن ها.....
۶۹.....	۳-۱-۵-۳- توجه به عمران و آبادانی منطقه.....
۷۰.....	۳-۱-۶- نتیجه.....
۷۲.....	فصل دوم: اوضاع سیاسی بلوچستان از شهریور ۱۳۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲.....
۷۲.....	۳-۲-۱- اوضاع عمومی کشور.....
۷۵.....	۳-۲-۲- اوضاع سیاسی بلوچستان از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵.....
۷۶.....	۳-۲-۲-۱- قدرت پابی خوانین و سرداران.....
۷۷.....	۳-۲-۲-۲- تشکیل دو اتحادیه از خوانین و سرداران بلوچ.....
۷۸.....	۳-۲-۲-۳- زمینه های اختلاف خوانین و سرداران.....
۸۰.....	۳-۲-۳- اوضاع سیاسی بلوچستان از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲.....

- ۸۱..... ۱-۳-۲-۳- ریشه ها و زمینه های ماجرای دادشاه.....
- ۸۲..... ۲-۳-۲-۳- ماجرای دادشاه از آغاز تا سال ۱۳۳۰.....
- ۸۳..... ۳-۳-۲-۳- اوضاع سیاسی بلوچستان از ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲.....
- ۸۵..... ۴-۲-۳- نقش نخبگان سیاسی در ظهور حرکت های سیاسی قومی و محلی در بلوچستان.....
- ۸۶..... ۱-۴-۲-۳- نقش نخبگان سنتی.....
- ۸۷..... ۲-۴-۲-۳- نقش نخبگان غیر قومی (غیر محلی و غیر بومی).....
- ۸۸..... ۵-۲-۳- امیر اسدالله علم و فرمانداری کل بلوچستان.....
- ۹۰..... ۶-۲-۳- نتیجه.....
- ۹۲..... فصل سوم: اوضاع سیاسی بلوچستان از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲.....
- ۹۲..... ۱-۳-۳- اوضاع عمومی کشور.....
- ۹۳..... ۲-۳-۳- اوضاع سیاسی بلوچستان از ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۶.....
- ۹۴..... ۱-۲-۳-۳- اوضاع سیاسی بلوچستان از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۵.....
- ۹۵..... ۲-۲-۳-۳- اوضاع سیاسی بلوچستان در سال ۱۳۳۶.....
- ۹۸..... ۳-۳-۳- اوضاع سیاسی بلوچستان از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۲.....
- ۹۸..... ۱-۳-۳-۳- مطرح شدن خوانین و سرداران بلوچ در صحنه سیاست ملی و محلی.....
- ۹۹..... ۲-۳-۳-۳- شکل گیری ناسیونالیسم بلوچ.....
- ۱۰۱..... ۳-۳-۳-۳- توجه دولت به فعالیت های عمرانی و اقتصادی در بلوچستان.....
- ۱۰۳..... ۴-۳-۳- روابط امیر اسدالله علم با خوانین و سرداران بلوچ.....
- ۱۰۵..... ۵-۳-۳- نتیجه.....
- ۱۰۶..... فصل چهارم: اوضاع سیاسی بلوچستان از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷.....
- ۱۰۶..... ۱-۴-۳- اوضاع عمومی کشور.....
- ۱۰۷..... ۲-۴-۳- اصلاحات شاه و تأثیرات آن در بلوچستان.....
- ۱۱۰..... ۳-۴-۳- ظهور حرکت های سیاسی قومی و محلی و عوامل آن در بلوچستان.....
- ۱۱۱..... ۱-۳-۴-۳- نقش دولت مدرن پهلوی.....
- ۱۱۲..... ۲-۳-۴-۳- نقش نخبگان سیاسی.....

- ۱۱۴.....نقش نیروهای خارجی.....۳-۳-۴-۳
- ۱۱۶.....جبهه آزادیبخش بلوچستان.....۴-۳-۴-۳
- ۱۱۷.....حزب دموکراتیک بلوچستان.....۵-۳-۴-۳
- ۱۱۸.....دلایل عدم موفقیت حرکت های سیاسی قومی و محلی در بلوچستان.....۶-۳-۴-۳
- ۱۲۰.....سیاست های اقتصادی- اجتماعی رژیم پهلوی در بلوچستان.....۴-۴-۳
- ۱۲۲.....قاجاق و مهاجرت.....۵-۴-۳
- ۱۲۴.....بلوچستان در آستانه انقلاب اسلامی.....۶-۴-۳
- ۱۲۶.....نتیجه.....۷-۴-۳
- ۱۲۷.....نتیجه.....
- ۱۳۱.....فهرست منابع و مأخذ.....
- ۱۳۴.....چکیده به انگلیسی.....

## مقدمه

تحقیقات تاریخی پیرامون تاریخ معاصر ایران در ابعاد گسترده ای توسط محققان داخلی و خارجی صورت گرفته است، به طوری که بیشتر تمرکز محققان بر تحولات سیاسی و اجتماعی در مرکز بوده و به تحولات و حوادث حاشیه ای کشور کم تر پرداخته شده است. در حالی که بیشتر تحولات سیاسی و رویدادهای حاشیه ای کشور به نوعی تحت تأثیر تحولات مرکز بوده و یا با آن ارتباط مستقیم و غیر مستقیم داشته اند.

بررسی وضعیت سیاسی- اجتماعی بلوچستان در دوره پهلوی دوم یکی از مسائل تاریخ ایران است که کم تر به آن پرداخته شده است. تحولاتی که در این دوره در بلوچستان به وقوع پیوست، باعث توجه بیشتر دولت مردان کشور به این منطقه گردید. به دنبال ناتوانی دولت مرکزی در اداره و کنترل منطقه، خوانین و سرداران که قبل از روی کار آمدن دولت پهلوی از طریق تشکیل حکومت های محلی امور منطقه را در دست داشتند و با سیاست های تمرکز گرایانه و سرکوب گرانه رضاشاه آن را از دست داده بودند، مورد توجه دولت مرکزی قرار گرفته و دوباره اقتدار و نفوذ گذشته شان را به دست آوردند؛ به طوری که تا آستانه انقلاب اسلامی این گروه صاحب نفوذ در منطقه بودند. با مطالعه و پژوهش در تاریخ بلوچستان می توان به صحت این امر پی برد. در این پژوهش سعی شده تا حد امکان اوضاع سیاسی- اجتماعی بلوچستان و زوایای تاریک تاریخ این منطقه در دوره ی پهلوی دوم روشن گردد، تا چراغی باشد فرا روی نسل جوان و تحصیل کرده ی این مرز و بوم و آغازی برای پژوهش و تحقیق مفصل تر در این زمینه.

### ۱- بیان مسأله و موضوع تحقیق

با توجه به اهمیت و تأثیر فراوانی که حوادث مناطق حاشیه ای کشور بر تحولات مرکز دارند این پژوهش به اوضاع سیاسی و اجتماعی بلوچستان در دوره ی پهلوی دوم پرداخته است، دوره ای که در تاریخ معاصر ایران دارای اهمیت زیادی است. بنابراین در زمینه شناخت و آگاهی از وضعیت سیاسی و اجتماعی بلوچستان در این دوره پرسش های زیادی مطرح می شود که کل موضوع را بیان می کنند. لذا اصلی ترین پرسش این است که: وضعیت سیاسی- اجتماعی بلوچستان در دوره ی پهلوی دوم چگونه بوده است؟ و به عبارتی از آن جا که وضعیت سیاسی بلوچستان در این دوره متأثر از فعالیت های خوانین و سرداران بوده است، بنابراین خوانین و سرداران چه نقشی در تحولات سیاسی- اجتماعی بلوچستان داشته اند؟

پرسش های فرعی که در این راستا مطرح می شوند عبارتند از:

۱- معروف ترین طوایفی که در اوضاع سیاسی- اجتماعی بلوچستان در این دوره نقش داشته اند کدامند؟

۲- ساختار اجتماعی جامعه بلوچستان و سلسله مراتب آن در این دوره چگونه است؟

۳- مهم ترین ویژگی های فرهنگ اجتماعی قوم بلوچ کدامند؟

۴- دولت مرکزی در این دوره بلوچستان را چگونه اداره می کرد؟

۵- چرا خوانین و سرداران در این دوره مورد توجه دولت مرکزی قرار گرفتند؟

۶- علت شورش دادشاه چه بود؟

۷- علل شکل گیری جنبش های ناسیونالیستی بلوچ یا به عبارتی علل بروز حرکت های سیاسی قومی و

محلی در بلوچستان چه بود؟

۸- دلایل عدم موفقیت گرایش های سیاسی محلی گرا در بلوچستان چه بود؟

۹- چرا رژیم پهلوی از دهه ی ۱۳۴۰ به بعد توجه بیشتری به بلوچستان نمود؟

۱۰- علل رواج پدیده های قاچاق و مهاجرت در این دوره در بلوچستان چه بود؟

۱۱- سیاست رژیم پهلوی در قبال قوم بلوچ چگونه بود؟

در این پژوهش سعی شده تا با پاسخ به این پرسش ها وضعیت سیاسی- اجتماعی بلوچستان روشن گردد.

## ۲- پیشینه پژوهش و انگیزه انتخاب موضوع

اوضاع سیاسی- اجتماعی بلوچستان در دوره ی پهلوی دوم به صورت علمی و دانشگاهی بجز مطالعات و

تحقیقات دانشگاهی و غیر دانشگاهی جزئی، مورد پژوهش جدی قرار نگرفته است. از تحقیقاتی که به صورت

جزئی به برخی موضوعات در دوره های معینی از دوران ۳۷ ساله ی مورد پژوهش پرداخته اند می توان از آثار

زیر یاد کرد:

۱- پژوهشی در تاریخ معاصر بلوچستان ( ماجرای دادشاه ) نوشته ی دکتر عظیم شه بخش

۲- قومیت و قوم گرایی در ایران نوشته ی دکتر حمید احمدی

۳- ایران و قومیت های آن ( ملی گرایی بلوچ ) نوشته ی دکتر حسن حسین بر

۴- سازمان سیاسی حکومت محلی بنت نوشته ی محمد برقی

از آثار مذکور در این پژوهش نیز استفاده شده است. این آثار به طور جزئی به بعضی موضوعات و یا به

سال های معینی از دوره ی مورد پژوهش پرداخته اند، بنابراین پژوهش مستقل دانشگاهی که دوره ی ۳۷

ساله ی مورد پژوهش را در بر گیرد، انجام نگرفته است.

علاقه و کنجکاو نسبت به تحولات سیاسی- اجتماعی بلوچستان در این دوره و همچنین روشن ساختن بخشی از تاریخ بلوچستان، انگیزه اینجانب جهت انتخاب موضوع برای تحقیق بوده است.

### ۳- قلمرو و محدوده ی پژوهش

قلمرو پژوهش شامل بلوچستان غربی یا بخشی از قلمرو ایران و به عبارتی یکی از استان های ایران است که در دوره زمانی مورد پژوهش در مرزهای سیاسی و جغرافیایی ایران قرار دارد. محدوده ی زمانی پژوهش دوره ۳۷ ساله حکومت محمد رضاشاه یا دوره ی پهلوی دوم را شامل می شود که با کناره گیری رضاشاه از قدرت در شهریور ۱۳۲۰ شروع و با سقوط رژیم پهلوی در بهمن ۱۳۵۷ پایان می یابد. این دوره به جهت حوادث و تحولات سیاسی و اجتماعی دارای اهمیت زیاد و قابل بحث و اعتناست.

### ۴- مشکلات و محدودیت های پژوهش

از مشکلات عمده ای که بر سر راه این پژوهش وجود داشته است، سوای محدودیت زمانی، باید به مشکلات ناشی از رفت و آمد به مراکز اسناد و کتابخانه ها اشاره نمود که این مسأله علاوه بر هزینه های اقتصادی، وقت و زمان زیادی نیز طلبیده است؛ دسترسی دشوار به منابع، همکاری نکردن برخی نهادها و سازمان های ذی ربط و مشکلات ناشی از مصاحبه با افراد، از دیگر مشکلات در جریان انجام این پژوهش بوده است.

### ۵- روش کار در پژوهش

روش به کار گرفته شده در این پژوهش، روش تاریخی است، روشی که در آن محقق با مشاهده غیر مستقیم و با تکیه بر اسناد و مدارک تاریخی به تجزیه و تحلیل واقعیت های بازسازی شده می پردازد. از این رو ابزار این پژوهش و روش به کار گرفته شده در آن، اسناد و مدارک تاریخی بوده که در دسترس قرار داشته است. بر این اساس منابع پس از بررسی و اطمینان از صحت و سقم آن ها مورد استفاده قرار گرفته اند. در مورد گردآوری اطلاعات از دو روش کتابخانه ای و روش میدانی به صورت مصاحبه استفاده شده است. در روش کتابخانه ای که این پژوهش بیشتر بر اساس آن انجام گرفته، پس از فیش برداری و استخراج داده ها به تجزیه و تحلیل آن ها پرداخته و سپس در تدوین گزارش تحقیق از آن ها استفاده شده است. در زمینه اوضاع اجتماعی منطقه و شناخت طوایف و معرفی آن ها از روش مصاحبه با سران طوایف استفاده شده است.

### ۶- طرح تفصیلی کار

برای به دست آوردن یک نظریه کلی از اوضاع سیاسی- اجتماعی بلوچستان در دوره پهلوی دوم مطالب این



پژوهش در سه بخش تنظیم شده است:

بخش اول جهت آشنایی با شرایط جغرافیایی و اقتصادی منطقه به دلیل تأثیر پذیری تحولات سیاسی- اجتماعی منطقه مورد پژوهش از شرایط جغرافیایی و اقتصادی، درباره ی اوضاع جغرافیایی و اقتصادی بلوچستان در دو فصل آمده است. در فصل اول به منظور آشنایی با ناحیه مورد پژوهش، کلیاتی از اوضاع جغرافیایی و موقعیت منطقه آورده شده است. چرا که وارد شدن به مباحث تاریخی بدون در نظر گرفتن محیط جغرافیایی پژوهشگر را در درک واقعیت با مشکل مواجه خواهد کرد و از آن جا که موقعیت جغرافیایی بلوچستان تأثیر فراوانی بر اوضاع سیاسی- اجتماعی آن داشته است، بنابراین در این فصل سعی شده است تا وضعیت جغرافیایی و اقلیمی بلوچستان مورد توجه قرار گیرد. از آن جا که بسیاری از حوادث سیاسی و اجتماعی بلوچستان در دوره ی مورد پژوهش ریشه در مسائل اقتصادی داشته است، به طوری که رواج پدیده هایی چون قاچاق و مهاجرت به دلیل وضعیت بد اقتصادی منطقه بوده است، بنابراین در فصل دوم این بخش وضعیت اقتصادی منطقه مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش دوم این پژوهش در زمینه اوضاع اجتماعی بلوچستان در سه فصل تدوین گردیده است:

در فصل اول مواردی از قبیل قشر بندی اجتماعی جوامع روستایی و عشایری بلوچستان و ملاک های این قشر بندی، گروه های اجتماعی ساکن در بلوچستان، ساختار اجتماعی جامعه و سلسله مراتب آن و ... مورد پژوهش قرار گرفته است. از آن جا که طایفه گرایی مهم ترین ویژگی جامعه بلوچستان بوده است، فصل دوم به معرفی مهم ترین طوایفی که در تحولات سیاسی- اجتماعی بلوچستان در دوره ی مورد پژوهش تأثیرگذار بوده اند، اختصاص یافته است. در فصل سوم برخی از ویژگی های فرهنگ اجتماعی قوم بلوچ که او را از بقیه اقوام متمایز و مشخص می کند، بیان شده اند.

بخش سوم که اصلی ترین بخش این پژوهش است، اوضاع سیاسی بلوچستان را در دوره ی مورد پژوهش در چهار فصل در بر می گیرد. همان طور که خاطر نشان شد، تحولات مناطق حاشیه ای کشور تحت تأثیر تحولات مرکز بوده است؛ بنابراین ملاک تقسیم بندی مطالب این بخش به سه دوره ی زمانی، به لحاظ اهمیت تاریخی، سیاسی و جامعه شناختی دوره ۳۷ ساله ی پهلوی دوم بوده است. در این بخش در ابتدای هر فصل نخست اوضاع عمومی کشور بررسی شده و سپس تحولات منطقه که متأثر از تحولات مرکز بوده است، مورد بررسی قرار گرفته است. بدین ترتیب عمده ترین تحولات سیاسی بلوچستان در این دوره بدین شرح است:

فصل اول به عنوان پیش در آمد و آماده سازی جهت ورود به بحث اصلی، به وضعیت سیاسی بلوچستان قبل از شهریور ۱۳۲۰ اختصاص یافته است؛ در این راستا رابطه دولت های مرکزی ایران قبل از پهلوی با رؤسای ایلات و سران طوایف در بلوچستان، روابط خوانین و سرداران یا به عبارتی سران طوایف بلوچ با رضاشاه و پیامد های سیاست های تمرکزگرایانه و سرکوب گرانه ی رضاشاه در بلوچستان مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل دوم که به وضعیت سیاسی منطقه از شهریور ۱۳۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲ اختصاص یافته است، پس از بیان وضعیت عمومی کشور در این دوره به مسائلی چون رقابت خوانین بر سر قدرت و نفوذ محلی، زمینه ها، ریشه ها و چگونگی ماجرای دادشاه، خلع سلاح خوانین توسط دولت مرکزی، نقش نخبگان سیاسی در ظهور گرایش های سیاسی محلی گرا در بلوچستان و همچنین انتصاب اسدالله غلم به فرمانداری کل بلوچستان در این دوره پرداخته شده است. در فصل سوم که تحولات سال های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ را در بر می گیرد، پس از اشاره به اوضاع عمومی کشور در این دوره مواردی چون کشتار مأموران اصل چهار توسط دادشاه و در نتیجه ی آن سرکوبی شورش دادشاه، مطرح شدن خوانین و سرداران در صحنه سیاسی و اجتماعی بلوچستان به جهت همکاری در فرونشاندن شورش دادشاه، شکل گیری جنبش های ناسیونالیستی بلوچ با تأثیرپذیری از ماجرای دادشاه و تحریک نیروهای منطقه ای، روی آوردن حکومت مرکزی به فعالیت های عمرانی در منطقه و بالاخره رابطه اسدالله غلم با خوانین و سرداران بلوچ بررسی شده است. فصل چهارم که پایان بخش این پژوهش است به تحولات بلوچستان در دهه های پایانی رژیم پهلوی یعنی از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ اختصاص دارد. در این فصل نیز به مانند فصل های قبلی پس از بررسی اوضاع عمومی کشور این موارد مورد بررسی قرار گرفته اند: تأثیرات اصلاحات شاه که با اشاره قدرت خارجی-آمریکا-صورت گرفت، در بلوچستان، ظهور حرکت های سیاسی قومی و محلی در بلوچستان و عوامل دخیل در آن ها، معرفی مهم ترین جنبش های سیاسی بلوچ و دلایل عدم موفقیت این جنبش ها، سیاست های اجتماعی-اقتصادی رژیم پهلوی در بلوچستان، علل رواج پدیده های قاچاق و مهاجرت در این دوره و همچنین تحولات بلوچستان در آستانه انقلاب اسلامی.

## معرفی منابع

همان طور که اشاره شد به جهت این که تحقیقات پیرامون تاریخ معاصر ایران بیشتر مرکز محور بوده و به تحولات حاشیه ای کشور کم تر پرداخته شده است؛ بر این اساس بلوچستان از این قاعده مستثنی نبوده و بلکه نسبت به بقیه نقاط ایران کم تر مورد توجه قرار گرفته است. هر چند تحقیقات جزئی در این زمینه صورت گرفته اما تحولات منطقه به طور کامل مورد پژوهش قرار نگرفته است. در این پژوهش سعی شده است تا حد امکان مهم ترین تحولات سیاسی- اجتماعی بلوچستان در دوره ی ۳۷ ساله پهلوی دوم مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد. بنابراین مهم ترین منابعی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته اند بدین شرح هستند:

### ۱- سازمان سیاسی حکومت محلی بنت<sup>۱</sup>

مؤلف این کتاب محمد برقی از محققان و پژوهش گران در امور بلوچستان است که در این کتاب تشکیلات حکومتی و نظام اداری و مالی حکومت محلی بنت را مورد بررسی قرار داده است. از آن جا که حکومت محلی بنت در سال ۱۳۳۴ ش با مرگ علی خان نقدی به پایان رسید، این کتاب حاوی اطلاعات ارزشمندی در زمینه تحولات سیاسی- اجتماعی بلوچستان تا اواسط دهه ۱۳۳۰ ش می باشد. همچنین این کتاب در زمینه اوضاع اقتصادی و اجتماعی منطقه نیز اطلاعاتی به دست می دهد.

### ۲- قومیت ها و نقش آنان در تحولات سیاسی سلطنت محمد رضا پهلوی<sup>۲</sup>

مؤلف این کتاب دکتر مجتبی مقصودی نقش اقوام مختلف ایرانی را در تحولات سیاسی و اجتماعی دوره ی پهلوی دوم در این کتاب بررسی کرده و با توجه به نظریه هایی که درباره ی حرکت های قومی ابراز شده، فراز و نشیب های تعامل میان اقوام گوناگون ایرانی را با تحولات سیاسی- اجتماعی آن عصر تبیین می نماید. این کتاب در دو بخش نوشته شده است: بخش اول آن به بیان ساختار قومی جامعه ایران و نقش اقوام ایرانی در تحولات سیاسی ایران قبل از شهریور ۱۳۲۰ پرداخته و در بخش دوم آن نقش اقوام ایرانی در تحولات سیاسی- اجتماعی دوره ی پهلوی دوم در چهار فصل یا چهار دوره ی زمانی یعنی ۱۳۲۶-۱۳۲۰، ۱۳۳۲-۱۳۲۶، ۱۳۴۲-۱۳۳۲ و ۱۳۵۷-۱۳۴۲ مورد بررسی قرار گرفته است.

<sup>۱</sup> - محمد برقی، سازمان سیاسی حکومت محلی بنت، مازیار، چاپ اول، تهران، ۱۳۳۶

<sup>۲</sup> - مجتبی مقصودی، قومیت ها و نقش آنان در تحولات سیاسی سلطنت محمد رضا پهلوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲

### ۳- پژوهشی در تاریخ معاصر بلوچستان ( ماجرای دادشاه )<sup>۱</sup>

مؤلف این کتاب دکتر عظیم شه بخش، عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان است که در این کتاب با نگاهی تحقیقی و بی طرفانه به ماجرای دادشاه پرداخته و تحولات سیاسی- اجتماعی بلوچستان را در دوره یازده ساله ی این ماجرا یعنی از ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۶ مورد بررسی قرار داده است. این اثر به زمینه ها، انگیزه ها و بهانه های ماجرای دادشاه در بلوچستان پرداخته که در این راستا نحوه و چگونگی آغاز ماجرا، برخوردهای دادشاه با مخالفین محلی اش و دولت مرکزی و همچنین ارتباط وی با خوانین متحدش، بررسی نگرش مردم عادی به ماجرا، چگونگی پایان این ماجرا، نتایج و تأثیرات آن بر ساختار جامعه بلوچستان و مواردی از این قبیل مورد بررسی قرار گرفته است. از این کتاب جهت آگاهی از تحولات سیاسی- اجتماعی بلوچستان در طی سال های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۶ در این پژوهش استفاده شده است.

### ۴- قومیت و قوم گرایی در ایران، افسانه و واقعیت<sup>۲</sup>

دکتر حمید احمدی نویسنده و محقق ایرانی و متخصص در امور قومیت های ایرانی هستند که در زمینه قومیت ها و نقش آنان در تحولات سیاسی- اجتماعی ایران و همچنین رابطه قومیت با هویت و ملیت در ایران آثار زیادی به رشته تحریر در آورده است. کتاب « قومیت و قوم گرایی در ایران، افسانه و واقعیت » مهم ترین اثر وی در این زمینه است. دکتر احمدی در این کتاب با بررسی نظریه های متعددی راجع به دلایل سیاسی شدن مسأله قومیت در ایران با ترسیم یک چهار چوب نظری سه عامل را در زمینه سیاسی شدن مسائل قومی در ایران دخیل می داند: شکل گیری دولت مدرن در ایران، نخبگان سیاسی و نیرو های خارجی و منطقه ای. این سه عامل در یک ارتباط پیچیده با هم مسائل قومی را در ایران دامن زده و حرکت های سیاسی قومی و محلی را موجب شده اند. بر این اساس دکتر احمدی مسأله قوم گرایی را در سه منطقه قومی ایران یعنی بلوچستان، آذربایجان و کردستان مورد بررسی قرار داده است.

### ۵- ایران و قومیت های آن (ملی گرایی بلوچ)<sup>۳</sup>

دکتر حسن حسین بر، مؤلف این کتاب، دکتری حقوق و عضو انجمن حقوق دانان واشنگتن و فارغ التحصیل از دانشگاه جرج واشنگتن می باشد. دکتر حسین بر در طی سال های ۱۹۹۸-۱۹۸۲ به عنوان مشاور در امور

<sup>۱</sup>- عظیم شه بخش، پژوهشی در تاریخ معاصر بلوچستان (ماجرای دادشاه)، نوید شیراز، چاپ اول، شیراز ۱۳۷۳

<sup>۲</sup>- حمید احمدی، قومیت و قوم گرایی در ایران ( افسانه و واقعیت )، نشر نی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۹

3- Hosseinbor, Muhammad Hassan, Iran and its Nationalities: The case of Baluch Nationalism, Adab publications, First edition, Pakistan 2000.